



انترناسیونال

۶۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۱ دی ۱۳۸۳، ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



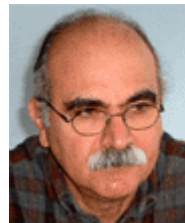
زلزله اقیانوس هند یک فاجعه عظیم انسانی

کاظم نیکخواه

ابتدایی ترین امکانات زیستی و حتی از آب نوشیدنی محروم شده اند و برای زنده ماندن به کمکهای غذایی و دارویی فوری نیاز دارند. بازماندگان زلزله تا کنون کمک بسیار اندکی دریافت کرده اند. وقوع بیماریهای واگیر دار جان صفحه ۳

هندوستان و تایلند نیز تلفات زیادی را بدنیاال داشته است. خبرگزاریهای جهان از صحنه های تکان دهنده ای در این کشورها که اجساد بیشماری هنوز در میان خرابه ها و بر سطح آنها و در همه جا بیچشم میخورند سخن میگویند. گفته میشود بیش از ۵ میلیون نفر در اثر این زلزله از

شمار تلفات زلزله اقیانوس هند که امواج سهمگین آن در چندین کشور فاجعه آفرید هر لحظه افزایش می یابد. طی چند ساعت آمار تلفات از ۴۰ هزار نفر به بالای ۱۲۰ هزار نفر رسیده است که یک سوم آن کودکان هستند و قطعاً این رقم هنوز با واقعیت فاصله ای بسیار دارد. مرکز زلزله ۹ ریشتری در کف اقیانوس هند در نزدیکی استان "آچه" واقع در جزیره "سوماترا" بود که یکی از جزایر تشکیل دهنده اندونزی است. این زمین لرزه باعث تلاطم امواج دریا و حرکت امواج سهمگین به سوی سواحل کشورهای منطقه شد و هزاران نفر در سیلابها غرق شدند و میلیونها نفر بیخانمان و آواره گردیدند. بیشترین تلفات مربوط به اندونزی و سریلانکاست که تا کنون بیش از ۸۰ هزار نفر کشته در اندونزی و ۳۰ هزار نفر در سریلانکا گزارش شده است. این زمین لرزه در



رفراندوم و صفبندیهای تازه در اپوزیسیون هراسان از انقلاب

حمید تقوایی

جنب و جوشی که زیر علم "رفراندوم برای تغییر قانون اساسی" در صفوف اپوزیسیون راست و دو خردادی پراه افتاده انعکاس و بیانگر تحولات بنیادی تری در شرایط سیاسی ایران است. صورت ظاهر قضیه اینست که عده ای از نخبگان ملی-مذهبی

صفحه ۲

درو د به کارگران اعتصابی! پیام حمید تقوایی به کارگران نساجی سنندج

دوستان کارگر!

مجمع عمومی و صندوق اعتصاب و خواست پرداخت حقوق ایام اعتصاب، و بالاخره جلب حمایت بخشهای دیگر جنبش کارگری، خصوصیاتش است که به مبارزه شما جایگاه ویژه ای داده است. اهمیت این اعتصاب تنها به کردستان صفحه ۴

درو د بر شما! اعتصاب پیگیر و سازش ناپذیر شما بر سر حقوق پایه ای تان میتواند سر فصل جدیدی در مبارزات کارگری باشد. مدت نسبتاً طولانی اعتصاب، درایت و سازش ناپذیری شما در خنثی کردن ترفندهای دولت و مدیریت، تشکیل



حال و هوایی جدید در جنبش کارگری د ایران

شهلا دانشفر

اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده، تجمع اعتراضی در کارخانه شهاب خودرو با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و در راس همه این حرکات یکماه اعتصاب و تجمع

خبر دهها حرکت اعتراضی کارگران در دو هفته اخیر، از جمله یکماه اعتصاب و تجمع کارگران نخ طلای خمین و راهپیمایی آنها، راهپیمایی کارگران نساجی پارس ایران در

در ایران خودرو در اعتراض به استخدام های قراردادی و اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنندج

صفحه ۴

اعلام موجودیت

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۴

کارگر کمونیست ۷۶

یکشنبه، پس فردا، منتشر میشود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **فراندم و صف بندیهای تازه ...**

این صورت ظاهر زیاد جدی گرفته نمیشود. نه معضل و مشکل کسی قانون اساسی است و نه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اساسا برگزاری يك فراندوم و نظر پرسى واقعی و آزاد از مردم، بر سر هر مساله ای، ممکن و عملی است. فراندوم بیرق رنگ باخته ایست که مجددا در برابر جنبش انقلابی مردم به هوا کرده اند. جوهر و معنای واقعی طرح فراندوم در شرایط سیاسی جامعه ما، چه اولین بار که حدود سه سال قبل از جانب بخشی از اپوزیسیون راست مطرح شد و چه امروز، چیزی بجز مقابله با جنبش انقلابی مردم نیست. و ما این حقیقت را بارها اعلام کرده ایم و نشان داده ایم. قصد من در این نوشته توضیح و بررسی این واقعیت پایه ای بر متن اوضاع عمومی سیاسی در شرایط امروز ایران و بویژه با توجه به پیشرویهای جنبش سرنگونی و موقعیت امروز راست و چپ در جامعه است.

جنبش سرنگونی و موقعیت چپ: مشاهدات و شاخصهای عینی

یک نگاه گذرا به حرکات اعتراضی مردم در چند ماهه اخیر به شکل روشن و غیر قابل انکاری نشاندهنده خصلت رادیکال و چپ جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه حکومت اسلامی است. پاسخ گرفتن مضحکه هخا با شعار "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض"، تحرك متشکل و نسبتا وسیع مردم در چندین شهر در روز جهانی کودک، ۱۶ آذر سرخ با شعارهای "نان و آزادی برای همه"، "آزادی و برابری"، "لغو حجاب اجباری"، و "آزادی زن آزادی همگان است"، و با به استیضاح کشیدن خاتمی در دانشگاه، و بالاخره موفقیت اخیر کمیته بین المللی علیه سنگسار در متوقف کردن حکم سنگسار حاجیه، همه اینها بر نقش و نفوذ رو به گسترش چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری در جامعه و در جنبشهای اعتراضی مردم دلالت میکند. اینها آخرین تحرکات در روندی است که از ۱۸ تیر ۷۸ شروع شد. از آن تاریخ تا کنون جنبش سرنگونی گام بگام توهم به دو خرداد و اپوزیسیون راست و کلا تغییر و تحول از بالا را از خود زوده و به مدام به چپ سوق یافته است. این رادیکالیسم و گردش به چپ جامعه با شاخصهای عینی و روشنی قابل مشاهده است. شخصیتها و موضوعات و مناسبتها و موقعیتها و روزهای اعتراض، همگی عوض شده اند. دیگر نه اسم آغاچری و گنجی و حجریان و سروش بر سر زبان کسی است، نه بسته شدن روزنامه های دو خردادی و اختلاف و کشمکش "تخبگان" دو خردادی با جناح مقابل امر مبارزاتی کسی است و نه کسی برای اعتراض و ریختن به خیابانها نیازی به بهانه انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و قهر و آشتی جناحهای رژیم با یکدیگر دارد. دوره نافرمانی مدنی و برویایی تلویزیونهای لس آنجلسی و توی بوق کردن رژیم پنج و انقلاب مخملی صادره از کاخ سفید نیز گذشته است. همانطور که سالها قبل منصور حکمت پیش بینی میکرد منظره ها به کلی عوض شده اند. امروز نبض جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ۱۸ تیر و اول ماه مه و ۸ مارس و روز جهانی کودک و ۱۶ آذر میتید، و برابری و آزادی و لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و سکولاریسم و سوسیالیسم و سرنگونی کل رژیم بر پلاکاردها نوشته میشود و در خیابانها فریاد زده میشود. شخصیتهای این جنبش "کنفرانس برلینها" و "کانال جدیدیها" هستند و موضوع کمپینهایش مقابله با سنگسار و اعدام و جنایات جمهوری اسلامی و نجات افسانه نوروژیها و ژیلای آزادی ها و لیلی مافی ها و حاجیه اسماعیلونداها است.

این رادیکالیسم و گردش به چپ جنبش سرنگونی از تئوری و تحلیلهای ما ناشی نشده است، بلکه واقعیتی است که هیچ ناظر واقع بین و منصفی نمیتواند انکار کند. منصور حکمت در کنگره سوم حزب گفت جامعه به چپ نیاز دارد، چپ خود را بزرگ میکند و بزرگ میدارد و این واقعیتی است که امروز در مقابل چشمان همه دارد اتفاق میافتد. و در تحلیل نهائی همین واقعیت پایه ایست که به کل مناسبات و روابط میان بالائینها، میان جناحهای رژیم و نیروهای مدافع رژیم در درون و بیرون

حکومت، و در روابط میان نیروهای اپوزیسیون آن با یکدیگر و با حکومت شکل میدهد، آرایش موجود را میشکند و صفتبندیهای تازه ای بوجود می آورد.

جنبش انقلابی مردم و استیصال آلترناتیوهای غیر انقلابی

در يك سطح پایه ای تر تحولات دو سال اخیر نشاندهنده طرد و انزوی فزاینده دو جنبش اپوزیسیون راست و جنبش ملی-مذهبی های دو خردادی در يك مقیاس وسیع اجتماعی است. جنبش سرنگونی با رشد و تعمیق خود این نوع گرایشات را کنار زده و بقول خود دوخردادیها از آنان عبور کرده است. وجه مشترك کلیه جریانات راست و ملی-مذهبی، چه "رفرمیست" باشند و چه "سرنگونی طلب"، عدم اتکا به نیروی مبارزه مردم و مقابله با انقلاب است. هم دو خردادیها و خانواده وسیع ملی-مذهبیون که صریحا طرفدار نظام موجود هستند، و هم جمهوریخواهان و سلطنت طلبهای "سرنگونی طلب" که به کودتا و انقلاب مخملی کاخ سفید امید بسته اند، با جمهوری اسلامی اشتراك منافع و نزدیکی بسیار بیشتر و استراتژیک تری دارند تا با توده مردم معترض و متنفر از کل این نظام. انقلاب شیوه تحقق اهداف و سیاستهای انقلابی است، شیوه تغییر رادیکال وضع موجود و ریشه کن کردن مصائب و مشکلات توده مردم است، نیروهائی که از این اهداف و سیاستها بدورند، نیروهائی که دردشان درد مردم نیست، نیروهائی که نمیخواهند چیزی ریشه کن شود و بطور بنیای تغییر کند، در انقلاب و جنبشهای رادیکال اعتراضی مردم جانی ندارند. و بنابراین کاملا طبیعی است که با روی آوری مردم به شیوه های مبارزه رادیکال و انقلابی عرصه به این نیروها تنگ شود و به حاشیه رانده شوند. جنبش انقلابی جاری مردم، در صورتیکه به یک انقلاب سازمانیافته و پیروزمند ارتقا پیدا کند - امری که حزب ما با تمام توان به آن کمر بسته است - بیگمان آلترناتیو و راه حل نیروهای اپوزیسیون راست و دوخردادیها را نیز بهمراه کلیت نظام موجود دود میکند و به هوا میبرد. ترس و واهمه این نیروها از انقلاب و مخالفت همیشگیشان با جنبش

انقلابی مردم، که معمولا تحت لوای ملیح مسالمت جوئی و خشونت گریزی بیان میشود اساسا به همین علت است. این ترس از خطر انقلاب به موازات پیشرویهای جنبش سرنگونی خود را بیش از پیش به شکل تلاش این نیروها برای تحریف کردن و سد و مانع بستن در مقابل اعتراضات توده ای مردم نشان میدهد. فراندوم دقیقا یکی از همین نوع مانع تراشیهاست. فراندوم، با تمام اهداف و مضامین گوناگونی که تا امروز طرح شده، از محدود کردن اختیارات ولی فقیه تا تصفیه جناح راست و تا تغییر قانون اساسی و تغییر رژیم، توهمی است که برای طرح "گفتمان" و "راهکار" دیگری بجز انقلاب و در مقابل انقلاب، مطرح میشود. تلاشی است برای آنکه توهم به تغییر از طریق صندوق رای را به جای تنها راه عملی و ممکن ایجاد هر نوع تغییر و بهبودی در وضعیت تحمل ناپذیر موجود بنشانند. معنا و نقش عملی فراندوم و حتی "گفتمان فراندوم"، مقابله با رژیم نیست، مقابله با انقلاب است و مطلوبیت سیاسی آن برای نخبگان فراندومچی ما نیز دقیقا در همین است.

صف تازه فراندوم: تجدید آرایش در مقابل جنبش انقلابی

پیشرویهای جنبش سرنگونی، ریاکالیزه شدن و گسترش و تعمیق این جنبش، صفتبندی تازه ای در میان نیروهای اپوزیسیون ایجاد میکند. معیار این صفتبندی دیگر نه صرفا برخورد به حکومت بلکه مواضع و برخورد نیروهای سیاسی در قبال جنبش انقلابی است. کنگره چهارم حزب در قطننامه مربوط به چشم انداز انقلاب اعلام میکنند که "با گسترش جنبش سرنگونی و نزدیک شدن به انقلاب، موقعیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون و دول و نهادها و نیروهای سیاسی غربی در قبال جمهوری اسلامی دیگر نه تنها بر مبنای سرنگونی طلبی بلکه اساسا بر مبنای مواضعشان در قبال جنبش انقلابی مردم مشخص میشود. با رشد جنبش انقلابی مردم علیه رژیم، حتی بخشهایی از خود رژیم سرنگونی طلب خواهند شد. در این شرایط صفتبندی دیگر نه بین سرنگونی طلبان و اصلاح طلبان، بلکه بین طرفداران انقلاب و ضد انقلاب شکل میگیرد و تعیین کننده

میشود."

امروز طرح فراندوم به محملی برای این صفتبندی جدید در نیروهای اپوزیسیون تبدیل شده است. نیروهائی از دو جنبش متفاوت، برخی از دو خردادیهای "اصلاح طلب" و برخی از شخصیتها و نیروهای اپوزیسیون راست "سرنگونی طلب"، زیر بیرق فراندوم در کنار هم و در برابر جنبش انقلابی مردم قرار گرفته اند. تحکیم وحدتیهائی که دیگر نه چندان محکم اند و نه متحد، سلطنت طلبان جمهوریخواه و جمهوریخواهان شاهپوست، پاسدار-ولترهای به آخرخط رسیده، پلتنسینهای نومید از انقلاب مخملی و کودتاچیان سرخورده از رژیم پنج، خلاصه صف رنگارنگی از "تخبگان" نومید از رفرم و هراسان از انقلاب، زیر بیرق رنگ باخته فراندوم به صف شده اند تا مگر در کارشان گشایشی حاصل شود. و الحق طرح مناسب تری از "فراندوم برای تغییر قانون اساسی" نمی توانستند پیدا کنند. آنچه خوبان همه دارند این طرح به تنهائی دارد: هم تغییر در چارچوب رژیم است و هم نیست، هم رفرم است و هم سرنگونی است و در واقع نه این است و نه آن. این راه خلاصی از مخصصه انقلاب در عین اینکه هم با "راهکار" تا کنونی جنبش دو خردادی، یعنی تغییر رژیم از درون و هم با آلترناتیو اپوزیسیون راست، یعنی رژیم پنج به کمک آمریکا متفاوت است - و بهمین دلیل هم "اصولگراها" در درون صفوف هر دو جنبش با آن مخالفتند - در عین حال باندازه کافی کلی و مبهم هست که هر کسی از ظن خود طرفدارش شود. برای دو خردادیهای فراندومچی این طرحی است در ادامه جنبش اصلاحات. فراندوم قرار است کاری را که دو خرداد از درون نتوانست انجام دهد از بیرون رژیم عملی کند. و برای سلطنت طلبان فراندوم اسم رمز کودتا و رژیم پنج از بالاست، طرح تازه ایست برای جلب نظر و حمایت دولتهای غربی به تغییر رژیم از بالا و به تخت نشاندن مجدد اپوزیسیون از تخت افتاده. پروژه های کهنه شکل و اسم تازه و ظاهرا مشترکی ای پیدا کرده اند. و همین اشتراك ظاهری برای بخش "واقع بین" اپوزیسیون راست و دو خردادی

از صفحه ۲ **رفتارندم و صف بندیهای تازه ...**

کافی است. بخشی که بی ثمری تلاشهای تا کنونی جنبششان را دیده و برسمیت شناخته و بخصوص متوجه این واقعیت شده است که علیرغم همه این تلاشها جنبش سرنگونی رادیکالیزه شده و گسترش پیدا کرده است. متوجه شده است که هر روز آرمانها و اهداف و سیاستهای چپ در این جنبش نفوذ و مقبولیت بیشتری پیدا میکند و در برابر این روند باید به فکر راهکارهای تازه بود. عبارات دیگر رفتارندم پلاتفرمی است که حول فصل مشترک، و یا عبارات بهتر معضل مشترک این نیروها در مقابل جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته است. و قرار است این نیروهای هراسان از انقلاب را از بن بست و بی آلترناتیوی که جنبششان

با آن مواجه شده خلاص کند. اما واقع بینی این نیروها در همین برسمیت شناسی معضل جنبششان ختم میشود. طرح "گفتنمان رفتارندم برای تغییر قانون اساسی" راه بجائی نمیبرد و طرح ماندگار و دیر پائی نخواهد بود. نه باین خاطر که تا همینجا به اختلاف نظر و بحث و مجادله در درون صفوف راست دامن زده است بلکه اساسا به این دلیل که رادیکالیسم و جنبش اعتراضی مردم در سطح جامعه هم اکنون بسیار جلوتر و عمیق تر از آنست که با چنین خاکریزهایی بشود متوقف و یا منحرفش کرد. این طرح یا نیگیبرد و عمر مفیدش بزودی تمام میشود اما صف بندیهای گوناگون و مرکب از شاخه های مختلف جنبشهای هراسان از انقلاب روندی است که

ادامه پیدا خواهد کرد. صبنندیها و یارگیریهای جدید حول پلاتفرمهایی برای مقابله با انقلاب تازه آغاز شده و با داغ شدن بیشتر زمین زیر پای این نیروها رونق بیشتری پیدا خواهد کرد. در مقابل این روند يك نقش و وظیفه ما در جنبش انقلابی خنثی کردن این نوع تلاشهای کمپ ضد انقلاب و در هم شکستن ایستگاهها و خاکریزهای گوناگونی است که در برابر جنبش انقلابی مردم قرار میدهند.

حزب و صف انقلاب: پیام ما به نخبگان

در برابر اردوی نیروهای هراسان از انقلاب، حزب کمونیست کارگری قرار دارد. ما به اردوگاه انقلاب متعلقیم. ما خواستار تغییرات بنیادی و زیر و رو کردن نظام سیاسی و اقتصادی موجود و برقراری عمیق ترین و جامع ترین آزادیها و برابریها هستیم. انقلاب راه و شیوه ماست.

انقلاب عملی ترین و کم مشقت ترین و کوتاه ترین و متمدنانه ترین راه تغییر اوضاع موجود است و به همین دلیل تنها شیوه، و بقول منصور حکمت مکانیسم اجتماعی مطلوب و ممکن ما کمونیستها برای در هم کوبیدن نظام موجود، تصرف قدرت سیاسی و برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم در ایران است.

ما خالق انقلاب نیستیم، ضروریات عینی، نیاز واقعی کارگران و زنان و جوانان و اکثریت قریب باتفاق جامعه به آزادی و رفاه و برابری به انقلاب شکل میدهد، اما همین نیازها و ضروریات عینی در عین حال پایه و زمینه اجتماعی جنبش و حزب ما، جنبش و حزب کمونیست کارگری است. ما سازمانده و رهبر انقلابیم. انقلاب جشن ماست. به استقبالش میرویم، تقویتش میکنیم و راه پیشرویش را

فراهم میسازیم. حزب ما در کنگره چهارم عزم خود را برای رهبری و سازماندهی انقلابی که در پیش است اعلام داشت. در همان کنگره صبنندیهای تازه نیروهای هراسان از انقلاب را پیش بینی کردیم و اعلام داشتیم که اجازه نخواهیم داد تا این نیروها جنبش انقلابی مردم را منحرف و یا متوقف کنند.

امروز حرف ما خطاب به همه نیروهای صف هراسان از انقلاب اینست: نخبگان عزیز! انقلاب يك عینیت و ضرورت است و مطمئن باشید مستقل از خواست و اراده شما اتفاق خواهد افتاد. ما این را تضمین میکنیم. یا به صف انقلاب بییونید و در کنار مردم و مبارزه آنان برای رهایی و آزادی و برابری قرار بگیرید و یا انقلاب شما را نیز به همراه کلیت این نظام کنار خواهد گذاشت. راه سومی وجود ندارد. *

از صفحه ۱ **زلزله اقیانوس هند ...**

هزاران نفر از باقیماندگان این زمین زلزله یا "دریا لرزه" را تهدید میکنند. مناطق و جزایر بسیاری در اقیانوس هند وجود دارند که هنوز گزارشی از تلفات آنها و یا رسیدن کمک به آنها نرسیده است.

بنا به گزارشها مراکز هشدار دهنده زلزله در آمریکا و ژاپن و هند يك روز قبل امکان زلزله و حرکت امواج در این منطقه را هشدار داده بودند اما تلاش چندانی برای هشدار به ساکنین این مناطق و اقدامات پیشگیرانه صورت نگرفته است.

يك سال قبل در چنین روزهایی جهان با شوك زلزله بم که آمار تلفاتش تا ۷۰ و ۸۰ هزار نفر رسیده بود دست و پنجه نرم میکرد. امروز زلزله ای عظیم تر شمار عظیم تری از مردم را به کام مرگ کشید و میلیونها نفر را از هستی ساقط کرد. در چند سال اخیر بلایای طبیعی بارها جمعیتهای بزرگی از مردم را به کام مرگ و نیستی کشانده است. این فجایع "طبیعی" درست در اوج پیشرفت بشر در شناخت قوانین طبیعت روی میدهد و این سوال را در برابر همگان قرار میدهد که آیا دستاوردهای بشری در خدمت زندگی خود بشر قرار میگیرد؟ هر چه در واقعیت برای یافتن پاسخی به این سوال کنکاش کنید، بیشتر مطمئن خواهید شد که پاسخ منفی است. در دوره ای که

علم و تکنیک به آنچنان پیشرفتهایی رسیده است که هیچ گوشه و زاویه ای از طبیعت برای بشر ناشناخته نیست، فجایع این چنین را نباید طبیعی تلقی کرد. جبران تلفات این فجایع غیر ممکن است. عزیزانی که از دست رفته اند، زندگیهایی که از هم پاشیده است، کودکانی که بی کس و بی پناه رها شده اند، غم و درد و زخمهایی که همیشه بر قلب هر انسانی باقی خواهد ماند، اینها را نمیتوان جبران کرد. معمولا پس از هر فاجعه ای معلوم میشود که دولتها و مقامات دست اندرکار و تصمیم گیرندگان و آنها که قدرت حقوقی و سیاسی و اقتصادی انجام کاری برای نجات جان انسانها را در دست داشته اند، "سهل انگاری" کرده اند و به موقع برای پیشگیری از خطر اقدام نکرده اند. در مورد زلزله اقیانوس هند نیز از هم اکنون روشن است که میشد مانع شد این زلزله در این ابعاد عظیم فاجعه بیافریند. معمولا گناه را به گردن این یا آن وزیر و مدیر و صاحب منصب می اندازند و بعد از مدتی آنها از آسیاب می افتد و همه چیز به فراموشی سپرده میشود و قربانیان به حال خود رها میشوند تا با دردهای جانکاه خویش دست و پنجه نرم کنند. بازماندگان فاجعه بم از این نظر نمونه ای زنده در پیش چشم ما هستند. اما تکرار این فجایع باید

این سوال را در برابر هر انسانی قرار دهد که چه عاملی مسبب این فجایع است؟ میشود از فاکتتهای زنده و عینی شروع کرد. هم اکنون کانونهای زلزله خیز با دقت ریاضی شناخته شده هستند. برای جلوگیری از فجایع بعدی باید دولتها اقدامات جدی ای مثل ساختن شهرهای جدید و جایجایی ها و تغییر سیستم ساختمان سازی و غیره را در دستور بگذارند. این بودجه را از کجا باید تامین کرد؟ همینجا مساله اصلی شروع میشود. بودجه ای که صرف تجهیزات جنگی و ارتشها و پلیس و دستگاههای بوروکراتیک و زندانها و کل دستگاه به بند کشیدن اکثریت مردم میشود بسیار و به مراتب عظیم تر از آن بودجه ای است که باید برای نجات جان صد هزار نفر صرف کرد. در همه کشورهای سرمایه داری این فرض است که بودجه اول را باید بی بروبرگرد صرف کرد تا دم و دستگاه سرکوب و کشتار را با مدرنترین تجهیزات مجهز کرد اما برای جلوگیری از سیل و زلزله و خطراتی که زندگی مردم را تهدید میکند باید منتظر ماند که چه چیزی "ته کاسه" باقی میماند. دقیقا همینجاست که وارونگی مناسبات موجود به وضوح خود را نشان میدهد. همینجاست که معلوم میشود که آنچه بلایای طبیعی خوانده میشود چندان هم به طبیعت مربوط نیست بلکه به مناسبات موجود میان خود انسانها

مربوط میشود. اینجاست که مسبب فجایعی اینچنین را میشود بوضوح شناسایی کرد. هم اکنون برای نمونه روشن است که شهر تهران با جمعیتی بالای ده میلیون روی خط زلزله قرار دارد. یکی از مقامات حکومت اسلامی اخیرا اعتراف کرد که اگر زلزله ای با قدرت ۶ ریشتر در تهران به وقوع بپیوندد بین ۷۰۰ هزار تا يك میلیون نفر تلفات خواهد داشت. از خود بیرسیم که چه اقدامات جدی ای برای جلوگیری از چنین فاجعه وحشتناکی عملا در دستور قرار گرفته است؟ هیچ. بودجه کلانی باید صرف نجات جان این صدها هزار انسان در تهران و شهرهای دیگر بشود. اقدامات اضطراری ای باید در دستور قرار گیرد. نیرویی جدی برای چاره اندیشی باید بسیج شود و غیره. اما مطمئن این بودجه با گوشه ای از پولی که صرف سپاه پاسداران و حوزه های علمیه و زندانها و ارتش و خرید دستگاه تولید سلاحهای اتمی و امثال اینها میشود قابل تامین است. اما چنین انتظاری را از حکومت اسلامی سرمایه داران نمیتوان داشت که از بودجه دم و دستگاه سرکوب و پلیس و دستگاههای تحمیق و ترورش بزند و صرف نجات زندگی مردم کند. چه رسد به اینکه بخواهد از جیب حاج آقاها میلیاردر شده و صاحب کارخانه ها و بانکها و موسسات چیزی کم کند. حساب جمهوری

اسلامی بعنوان هارتترین و ضد انسانی ترین دولت طبقه سرمایه دار روشن است. تفاوت زلزله بم که با قدرتی به مراتب کمتر تنها در يك شهر ۸۰-۷۰ هزار نفر را نابود میکند با زلزله ۹ ریشتری در اقیانوس هند نیز بر هیچکس پوشیده نیست. اما اساس مساله در مورد دولتها و حکومتهای دیگر سرمایه داری نیز همین است که اینها نیز حافظ نظامی هستند که اساس آن بر سود اندوزی و سرمایه استوار است و کارشان در انقیاد نگه داشتن اکثریت مردم در چارچوب نظم ضد انسانی سرمایه داری است. در این نظام است که میشود بودجه های سرسام آوری را صرف ارتشها و جنگها و کشورگشایی ها کرد، در این نظام است که يك اقلیت ۵ در صدی قریب ۸۰ در صد ثروتهای جامعه را در چنگال خود دارد، و در این نظام است که تنها چیزی که ارزش ندارد انسان بعنوان انسان است.

هر کس به منطق حاکمیت و عملکرد سرمایه فکر کند بسادگی میتواند بفهمد که چرا در اول قرن بیست و یکم و عصر فتح ستارگان، انسانها از گرسنگی هزار هزار میمیرند. از سرما در خیابانهای تهران و نیویورک یخ میزنند. از امراضی مثل دیفتری و مالاریا هزار هزار تلف میشوند. و سیل و زلزله و

از صفحه ۳ زلزله اقیانوس هند ...

طوفان هر سال زندگی صدها هزار نفر را در کشورهای مختلف نابود میکند. بشر راهی ندارد جز این که این سوال را در پیش روی خود قرار دهد و به آن پاسخی روشن بدهد و برای تغییر این منطق حاکم در همه جای جهان دست به کار شود. برای جلوگیری از کشتار و نابود سازی عوامل طبیعی نیز باید مناسبات و نظام را انسانی کرد و در خدمت انسان ها قرار داد.

بیانیه اعلام موجودیت کمیته بین المللی علیه اعدام

اعدام شنیع ترین رفتار با انسانها در دنیا است. اعدام، قتل عمد است و باید در سراسر جهان بر علیه آن و برای لغو آن مبارزه کرد. جنبش علیه اعدام یک جنبش قوی و بین المللی است. ما خود را بخشی از جنبش جهانی بر علیه اعدام و برای لغو مجازات اعدام میدانیم. ما تلاش میکنیم برای لغو اعدام در جهان همراه با سازمانها و جریانهای مترقی، فعالیت کرده و علیه اعدام صف متحد و محکمی ایجاد کنیم. این جنبش در ایران وظیفه مهم و تاریخی مقابله با احکام اعدام، نجات جان قربانیان و مبارزه برای لغو مجازات اعدام را در دستور دارد. این مبارزه جایگاه مهمی علیه جمهوری اسلامی ایران، سرنگونی این حکومت و اسلام سیاسی بطور کلی دارد. تا کنون جمهوری اسلامی ایران، دهها هزار نفر را اعدام کرده است. جنبش علیه اعدام در ایران روز به روز گسترش می یابد. کمیته بین المللی علیه اعدام با سازمان دادن کمپینهای گسترده و

جهانی، خواهد کوشید نه فقط محکومین به اعدام را از زیر تیغ اعدام نجات دهد، بلکه با افشای جنایات جمهوری اسلامی ایران، در عین حال به یک اعتراض جهانی علیه احکام اعدام در ایران دامن زده و حکومت اسلامی را تحت فشار هر چه بیشتری قرار دهد.

یک هدف این کمیته ایجاد ارتباط با جنبش اعتراضی بر علیه اعدام در ایران و سازمان دادن آن است. کمیته بین المللی علیه اعدام خواهد کوشید با سازمانهای جهانی علیه اعدام همکاری از نزدیک داشته باشد و در حد توان خود از کمپینهای این سازمانها دفاع و حمایت کند. فراخوان ما به همه شما کسانیکه از جنایت و اعدام منزعج هستید، اینست که به این سازمان پیوندید و کمک کنید تا بتوانیم احکام و مجازات اعدام در ایران و همچنین مجازات اعدام را در همه جا بطور کامل لغو کنیم.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۴ دسامبر ۲۰۰۴

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی

با تمام توان و به هر شیوه ای که میتوانید حمایت کنید! اعلام حمایت علنی شما از این اعتصاب و پیام بیانیه همبستگی شما با همزمان کارگزاران در نساجی سنجندج عامل تعیین کننده ای در به پیروزی رساندن این مبارزه و گام بلندی در جهت همبسته و متحد کردن صفوف جنبش کارگری در یک مقیاس سراسری خواهد بود. آستینها را بالا بزنید و بمیدان بیایید!
مردم مبارز شهر سنجندج!

محدود نیست، مطالبات شما خواست کارگران سراسر ایران است و اتحاد و همبستگی و بخصوص تشکل شما در برابر کارفرما و دولت میتواند الگوی خوبی برای مبارزات کارگری در شهرها و بخشهای دیگر باشد. صفوف خود را متشکل تر و متحد تر کنید و تا تحقق همه خواستهای برحقان از پای ننشینید. پیروزی شما پیروزی همه کارگران خواهد بود.
کارگران سراسر ایران!
از اعتصاب کارگران نساجی سنجندج

از صفحه ۱ حال و هوایی دیگر ...

همه و همه اتفاقات مهمی است که در جنبش کارگری در ایران در حال وقوع است. این اتفاقات در شرایطی روی میدهد که بطور واقعی چپ در جامعه به جلو آمده و ما ۱۶ آذر سرخ را پشت سر گذاشتیم، که شعار سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض به مناسباتهای مختلف بر روی دیوارها و پلاکاردها نقش میندند. در چنین فضای سیاسی است که ما شاهد گسترش هر روزه اعتراضات کارگری هستیم و خانه کارگرها و شورای اسلامی چی ها مقامات رژیم را نسبت به خطر آن هشدار میدهند. از جمله در حرکت کارگران رامشیر در پوشهر عیسی کمالی دبیر اجرایی خانه کارگر در آنجا، مقامات رژیم را به اشتغال پنجاه هزار کارگر در این منطقه و خطر گسترش اعتراضات برای امنیت کشور و صنعت نفت هشدار میدهد. در پاکدشت نیز یکی دیگر از مقامات خانه کارگر، سران رژیم را به خطر بروز اعتصابات سراسری کارگری توجه میدهد.

اینها نشان دهنده گسترش افقی اعتراضات کارگری و رشد رادیکالیسم این مبارزات است. ما امروز شاهد بروز اعتراضات کارگری در اشکال اعتصابات طولانی مدت، راهپیمایی و جلب حمایت مردم و کشیده شدن دامنه این اعتراضات به مراکز بزرگ کارگری همچون ایران خودرو، ماشین سازی اراک و شهاب خودرو هستیم. نساجی کردستان در سنجندج و ایران خودرو دو نمونه مهم از حرکات اعتراضی کارگران در دوره اخیر است.

اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنجندج

نه روز از اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنجندج میگذرد و تا هم اکنون کارگران با تحمیل حقوق ایام اعتصاب و پافشاری بر

از اعتصاب کارگران نساجی به هر شکل و شیوه ای که میتوانید حمایت کنید، به صندوق اعتصاب کمک کنید، در اطراف کارخانه تجمع کنید، و به دولت و کارفرمایان اجازه ندهید کارگران و مبارزانشان را از بقیه جامعه جدا کنند. نقش شما در عقب نشاندن دولت و به پیروزی رساندن اعتصاب کارگران تعیین کننده است.

بمانند. باید با تمام قوا به پشتیبانی از این کارگران شتافت.

یکماه تجمع و اعتراض در ایران خودرو

نزدیک به یک ماه است که در کارخانه ایران خودرو، جنب و جوش اعتراضی در مقابل استخدام های قراردادی بلند شده است. حرکت از اعتصاب کارگران پیمانکار ایران خودرو با خواست استخدام رسمی و دریافت حقوق مساوی با کارگران رسمی در بخش های دیگر شروع شد و دامنه آن به کارگران پیمانکاری دیگر بخش ها کشیده شد و جمع هایی از کارگران استخدام رسمی نیز از این حرکت اعتراضی اعلام حمایت کردند. این حرکت اعتراضی، با اخراج هفت نفر از کارگران معترض در همین هفته ابعاد گسترده ای بخود گرفته است و میرود تا تمامی این کارخانه با ۲۰ هزار کارگر را در بر بگیرد. این اعتراض در واقع شیوه اعتراض و مبارزه علیه استخدامهای قراردادی را به صدا درآورده است. این در حالیست که به گفته خود مقامات جمهوری اسلامی این شکل از استخدام تمام بخش های مهم صنعتی، از جمله صنایع وابسته به نفت و بسیاری از مراکز بزرگ کارگری را در بر گرفته و میرود که ۹۰ درصد استخدام ها بصورت استخدام قراردادی درآید.

پیوستن تمامی بخش های ایران خودرو به این حرکت، پیش برد حرکتی سراسری در این کارخانه از طریق برپایی مجامع عمومی منظم کارگری و جلب حمایت کارگران در کارخانجات دیگر همه و همه گامهایست که در مقابل رهبران این حرکت اعتراضی بزرگ قرار دارد. حمایت از کارگران نساجی کردستان سنجندج و کارگران ایران خودرو، دو کانون مهم اعتراض در جنبش کارگری در حال حاضر امری عاجل در مقابل همه کارگران در همه مراکز کارگری است. *

دوستان کارگر!

صفوف متحد و متشکل کارگران هیچ نیروئی تاب مقاومت نخواهد داشت. یکبار دیگر به همه شما درود میفرستم و برایتان آرزوی پیروزی میکنم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ دیماه ۱۳۸۳،

۳۰ دسامبر ۲۰۰۴